



# کلپز در نیویورک

محفل «کارتر- برژینسکی» به دلیل افلاس، مطالبات‌اش را همزمان از زبان مکارم شیرازی و شاهزاده «رضا پهلوی» بیان می‌کند. کلیدواژه‌های این مطالبات عبارت است از «حقوق بشر»، «مردم»، «عقلانی»، و از همه مهم‌تر، «جدائی دین از حکومت!»





۳۳ سال است بر طبل توخالی همان «مردم» می‌کوبند، و در راستای همین سیاست استعماری است که اکبر بهرمانی برای «تمام کردن کار»، خواهان حضور «مردم» در صحنه شده. «کار» کذا چیست و چگونه تمام می‌شود؟ همانطور که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تمام شد، یعنی با قرار گرفتن «ارتش» در کنار «مردم». آنهم «مردم معترض» که خواهان براندازی «دیکتاتور» هستند. اتفاقاً «کنت راث»، مدیر اجرائی دیده بان حقوق بشر در نیویورک هم از این قماش «مردم» خیلی خوشش آمده.

عوام فریبی و عوام‌شیفتگی ویژگی حکومت کودتائی «شیخ و شاه» است. این نوع حکومت انسان‌ستیز که با دست‌های مقدس کلنل آبرون‌ساید بر ملت ایران حاکم شده، «حریم خصوصی» نمی‌شناسد. اهداف و برنامه‌های مبهم‌اش نیز از لجنزار «تقدیس» و «تکفیر» و «خدا» و «مردم» فراتر نخواهد رفت و ... و همین ابهام صورتکی می‌شود بر اهداف واقعی این حکومت. اهدافی که در سرکوب ملت ایران جهت تأمین و گسترش منافع استعمار خلاصه شده، می‌شود و خواهد شد. بله، فقط شاهزاده رضا پهلوی نیست که به خواست تل موهوم «مردم» احترام می‌گذارد؛ ملایان جمکران نیز

چه سال عجیبی است این سال «اژدها» تحولات اش موج است، به حرکت اندام اژدهائی خشمگین می ماند که در فیلم های سینمایی نشان می دهند. البته پیش از آغاز سال نو «چینی»، شاهد تحولات «مواج» سیاسی بودیم. و از شگفتی های «پیش اژدهائی» همان ملاقات کیسینجر بود با پوتین که برق از چشم جمکرانی ها پراند! بیچاره ها نمی دانند این نخستین ملاقات نیست! سه سال پیش هم در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۰۹، کیسینجر به دیدار ولادیمیر پوتین شتافت؛ سری به سایت فرانسه زبان نووستی بزنید، پیام های این «ملاقات» را به یاد خواهید آورد؛ سال ۲۰۰۹ هیچ ربطی به اژدها نداشت!

اما در نخستین روز سال اژدها، راه «اوغلو»، وزیر امور خارجه ترکیه به بروکسل بسته شد. قرار بود ترکیه برای تحریم ایران در نشست اتحادیه اروپا شرکت کند، اما «داوات اوغلو» به بروکسل نرفت، و امروز او را دیدیم که در کنار سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نشسته و با تحریم ایران مخالفت می کند و ... و باقی قضایا هم در سایت فارسی نووستی، مورخ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۲ در دسترس مشتاقان قرار دارد. اما مهم تر از تغییر مسیر «اوغلو» از بروکسل به مسکو، تغییر مسیر دیمیتری مدودف است!

ایشان ضمن هشدار به «مکفال»، سفیر جدید آمریکا در روسیه تلویحا به سفیر یانکی ها فرموده اند، «مایکل جان! چرا با ما سر یاری نداری؟ استوارنامهات را به ما تحویل ده تا تأییداش کنیم!» سایت فارسی نووستی، مورخ ۲۵ ژانویه سال جاری می نویسد، دیمیتری مدودف برای انتصاب «مکفال» به عنوان سفیر آمریکا در روسیه با اوباما مذاکره فرموده و سایت فرانسه زبان نووستی در همین مورد توضیح می دهد که مذاکره «مکفال» با «اوپوزیسیون»، آنها پشت درهای بسته چنین تفسیر شد که آمریکا قصد دارد در روسیه آشوب به راه اندازد! یادآور شویم، مکفال اواسط ماه ژانویه ۲۰۱۲ وارد روسیه شد و ... و چند روز بعد، کیسینجر، برای ملاقات با پوتین به مسکو آمد!

کجا بودند این یانکی ها؟ کجا رفتند این «ناجیان»؟ چرا برای نجات سرنشینان «اتوبوس دریائی» دست به کار نشدند؟ یک اتوبوس دریائی که روز اول بهمن ماه ۱۳۹۰، گردشگران را به جزیره «هرمز» برده بود، بعد از ظهر همان روز، هنگام بازگشت به بندرعباس غرق شد! جالب اینجاست که ناخدای شناور مذکور، ۱۵ دقیقه پس از خروج از جزیره هرمز به دلیل از کار افتادن موتور شناور تقاضای کمک کرده بود ولی هیچکس به کمکش نیامد! گویا یانکی ها فقط «ماهگیرها» را نجات می دهند. بله بعضی ها «مردم» را دوست دارند و بعضی ها ماهیگیر می پسندند؛ خلاق را سلايق متفاوت باشد!

و اما به گزارش حنازرچوبه، مورخ دوم بهمن ماه ۱۳۹۰، «گفته می شود»، این «حادثه» به دلیل عدم توجه ناخدا و اصرار مسافران رخ داده! مطلب حنازرچوبه با کد: ۳۰۷۷۶۷۰۷ انتشار یافته! و اما جالب تر اینکه در تاریخ ۱۳ ژانویه سال ۲۰۱۲، یعنی چند روز پیش از این حادثه و چند هزار کیلومتر آنطرف تر، در سواحل ایتالیا یک شناور غول پیکر به طول ۳۰۰ متر نیز به دلیل «خطای ناخدا» و «اصرار یکی از مسافران» واژگون می شود! عجیب است که شرایط غرق شناور در سواحل ایتالیا به شرایط غرق اتوبوس دریائی در حوالی جزیره «هرمز» چنین شباهتی داشته باشد!

و عجیب تر اینکه علل دو حادثه نیز در رسانه ها «متغیر» است. به عنوان نمونه، در مورد شناور ایران اول گفتند، هوا توفانی بوده، بعد ادعا کردند، شناور مذکور به دلیل «اتمام بنزین» از حرکت باز مانده و پس از مدتی، به دلیل آبگرفتگی واژگون و غرق شده! افسوس که از امور «دریائی» سر رشته نداریم! ولی با توجه به اظهار نظر کارشناسان در مورد حادثه ایتالیا، یک ندای درونی به ما می گوید که بعضی ها با «توریسم»، به ویژه در سواحل ایران و ایتالیا مخالفت می کنند! همانطور که با تصاویر برهنه «گل شیفته» نیز خیلی ها مخالفت فرموده اند؛ حتی موافقان! به عنوان نمونه، اهالی «پیکنت» که سلیقه «مردمی» دارند و زن های تپل مپل و گامبو می پسندند از زبان یکی از خوانندگان شان می نویسند، «کانون گرم خانواده» را متلاشی نکنید، و از ندیدن عکس های گلشیفته تأسف نخورید! خلاصه اگر ندیدین، چیزی از دست ندادین، پوست بود و استخون:

«...[برای هر جدائی جایزه نمی‌دهند]... کانون گرم خانواده را متلاشی نفرمائید [..] از ندیدن عکس [..] گلشیفته هم ضرر نکرده‌اید. طفلکی پوست و استخوان است.»  
منبع: پیک نت: مورخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۰

همچنانکه می‌بینیم کمبود گوشت در کشور، حزب توده را تا حد «مرگ» به آخوند جماعت نزدیک کرده؛ به طوریکه هواداران حزب کذا وقتی به تصویر یک زن جوان نگاه می‌کنند، بجای زیبایی‌های زنانه، به دنبال گوشت و دنبه و کله‌پاچه «گوسفند» می‌گردند. و از آنجا که گوسفند مرغوب می‌باید «پرور» هم باشد، خیکی نبودن گل‌شیفته آنچنان باعث ناخرسندی اهالی پیک‌نت شده که بیا و ببین! البته از این دکان «مردمی» انتظاری بیش از حد نداشته باشیم؛ یکی از مقامات این تشکل «مردمی» کسی نیست جز «خدائی!»

جناب «خدائی» روز گذشته در بی‌بی‌سی مصاحبه فرموده، و یک «پرس» دیزی «مصدق»، دستپخت نهضت عاظادی را به خورد شنوندگان «محترم» دادند. ایشان از «قانون‌گرائی» مصدق و از «شرافت» حزب توده داستان‌های بسیاری گفتند و ... خلاصه خودشان «مردمی» هستند، و بی‌دلیل نیست که اظهارات‌شان، همچون سخنان گهربار رضا پهلوی «خدائی» شده. خلاصه، اگر تل موهوم «مردم» را از «شیخ و شاه» بگیریم، هر دو اینان ابتر خواهند شد، و می‌باید دکان معجزات‌شان را تعطیل کنند.

مهم‌ترین معجزات دی‌ماه سال ۱۳۹۰، البته پس از انتشار «نامه» معروف «کیسنجر-بیکر» در کیهان، اظهارات مکارم شیرازی است. ایشان طی دیدار با پروفیسور «مارکو ساسولی»، مدیر بخش حقوق بین‌الملل دانشگاه ژنو، ضمن تمجید از جنبه‌های بشردوستانه قانون اساسی جمکران، از حقوق بشر نیز دفاع کرده و فرموده‌اند: تا صدای ما به گوش مردم جهان نرسد، نه حقوق بشر اصلاح می‌شود و نه دموکراسی به وجود می‌آید! آنحضرت در ادامه فرموده‌اند، قانون اساسی ما خیلی خوب است و «مردم» به آن رأی داده‌اند، و ما هم تا زنده هستیم برای پیشرفت حقوق بشر تلاش می‌کنیم.

بله «مردم» نه تنها به حکومت اسلامی که به قانون اساسی این حکومت توحش نیز «رأی» داده‌اند، یادتان که نرفته! بی‌دلیل نیست که رضاپهلوی هم به ما ملت لطف کرده و «به خواست مردم» احترام می‌گذارد. این «مردم» همواره کارساز حکومت «شیخ‌وشاه» بوده‌اند. و اظهارات مکارم شیرازی با کد: ۳۰۷۵۸۵۱۳ در حنازرجوبه، مورخ ۲۰ دی‌ماه سالجاری انتشار یافته:

«...[قانون اساسی]... با مختصات بسیار خوبی نوشته شده [..] و مردم به آن رأی بالائی داده‌اند [..] اگر قانون اساسی ایران را ملاحظه کنید، بسیار انسانی و بشردوستانه است [..] وی تصریح کرد، تا زنده هستیم، برای پیشرفت حقوق بشر تلاش می‌کنیم و از نگاه ما کسی که تلاش نمی‌کند، جزو مردگان است.»

می‌بینیم که ایشان ثابت کردند که نمرده‌اند، چرا که خیلی خوب گ...زیده‌اند! به قول نابغه بزرگ، نوری‌زاد، «می‌گو..م، پس هستم.» تعجب هم ندارد در قاموس فعله فاشیسم «تفکر» با قضای حاجت و دیگر مسائل «طبیعی» ترادف دارد. بد نیست مکارم شیرازی برای‌مان توضیح دهد، سنگسار و قصاص و دیگر احکام توحش دین چه ارتباطی می‌تواند با اعلامیه جهانی حقوق بشر داشته باشد؟ مسلماً از منظر آخوندجماعت «حقوق بشر»، همان حقوق صحرائی بردگانی باید باشد که گوسفندوار پشت سر بز گله، یعنی ولی فقیه می‌دوند و در این چارچوب صحرائی، سگ گله نیز در جایگاه پاسدار اسلام قرار می‌گیرد، و شبان، در رده خداوند، بگذریم.

در چنین شرایطی است که از زندگی یک لات چاقوکش به نام حاج بخشی «مستند فاخر می‌سازند!» چرا؟ چون نوچه خانوم سیحون «هنردوست» در سنگر مردم‌پرستان لنگر انداخته بود. به گزارش «جهان نیوز» مورخ ۲۸ دی‌ماه، این مأموریت پرافتخار به شبکه دوم صدا و سیمای «قلعه حیوانات» سپرده شده. و مهرنیوز، مورخ ۱۷ دی‌ماه ۱۳۹۰، آخرین مصاحبه با «پرسوناژ مستند فاخر» را به این شرح منتشر کرده:

«... [موسوی که استعفا داد، آمد دفتر سیداحمد، من هم آن جا بودم. گفتم: خجالت نکشیدی آمده‌ای این جا؟! الان باید بازوی امام باشید بی غیرت‌ها! خبرنگار می پرسد چیزی نداشت بگوید؟ نوچه معصومه خانوم پاسخ می دهد] چه داشت بگوید؟ همه چیزش را از مردم داشت. شغل به او دادیم [...] نیرو دادیم [...]»

بله، «مردم» را دستکم نگیریم، «توی دهن دولت می زنند»، خودشان هم دولت تعیین می کنند. جونم براتون بگه، از قدیم گفته اند، «علف باید به دهن بز شیرین بیاد.» علوفه تولید عموسام هم به دهان ملایان جمکران خیلی شیرین آمده؛ «علف نگو، عسل بگو!» از شما چه پنهان، این علف «عسل گون» به ویژه به دهان اکبر بهرمانی خیلی مزه کرده.

به گزارش ایسنا، مورخ ۴ بهمن ماه سالجاری، اکبر هاشمی در مراسم سوگواری پیامبر «صاد»، و عین سوم و عین هشتم، اظهار داشت، پیامبر و ائمه وظیفه داشتند جامعه را از قید «نادانی» و «خرافات» رها سازند و موفقیت‌شان به دلیل استقبال «مردم» بود. و پیامبر از چنان محبوبیتی برخوردار بودند که بیا و ببین:

«... [موفقیت [...] رسالت بزرگان دین در پرتو پذیرش و اقبالی بود که مردم به این بزرگواران داشتند [...]»

می بینیم که «مردم» از قدیم الایام همه کاره بوده اند! بله، «مردم» با آغوش باز اسلام را پذیرفتند و پیامبر «صاد» با انکا به همین «مردم» و بدون توسل به زور اسلام‌شان را به تمام دنیا فروختند. پایه و اساس این دروغ‌های شاخدار چیست؟ آیات قرآن و روایات معصومین! به عبارت دیگر، همان مبهمات و ترهاتی که قانون اساسی «قلعه حیوانات» بر آن تکیه کرده:

«هاشمی [...] با تأکید بر آیات قرآن [...] و روایات معصومین، اتکاء به مردم را مبنای اسلام و گسترش آن خواند و تأکید کرد [...] تبلیغ اسلام مبتنی به زور نبود [...] پیامبر گرامی آن قدر نزد مردم محبوبیت داشتند [...] که مؤمنین نمی گذاشتند آب

وضوی ایشان به زمین بریزد [...] واضح است در این فضا برای پذیرش و گسترش اسلام و قرآن نیازی به توسل به زور نبود.»

مسلم است! امام علی‌شان هرگز گردن «کفار» را نزده، پیامبرشان هم به زور شمشیر اموال یهودیان را مصادره نکرده، و ... و خلاصه مهاجمان تازی در حالیکه دسته‌گلی از گلستان‌های سرسبز صحرای حجاز به دست داشتند، لیخنه بر لب به ایران حمله کرده اند. رستم فرخزاد بی دلیل به جنگ مسلمین رفت؛ بابک و مازیار اشتباه کردند و خلاصه «حق» با «افشین» خیانت کار بوده. یک میلیاردر روس به نام «پروخوروف» نیز نام حزب‌اش را «امر حق» گذارده و مهم‌ترین برنامه سیاسی‌اش این است که ازدواج کند! البته به شرط اینکه «مردم» او را همچون پیامبر «صاد» جمکرانی دوست داشته باشند و همه دست به کار شوند تا «آب وضوی» ایشان به زمین نریزد.

روزی از روزهای دی‌ماه، حضرت «پروخوروف» در سایت فرانسه زبان نوپستی فرموده‌اند، اگر به ریاست جمهوری انتخاب شوم حتماً ازدواج می‌کنم؛ درست نیست رئیس جمهور «مجرد» باشد. یادآور شویم ایشان ۴۷ ساله‌اند؛ خلاصه زنان دم‌بخت روس بکوشید تا پروخوروف انتخاب شود؛ شاید بخت شما نیز یاری کرده، بانوی اول شوید. برای اینکار اول باید «مردم» به پروخورف رأی دهند، تا شما بتوانید همسر آینده رئیس جمهور آینده باشید و به «حق» خود برسید! اما امان از وقتی که «مردم» همراهی نکنند؛ افتضاح به بار می‌آید: مسافرت «اوغلو» به بروکسل لغو می‌شود؛ بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای نظارت بر فعالیت‌های سرداران به ایران می‌آیند؛ و به فاصله چند روز شاهد مرگ ناگهانی چهار سردار خواهیم بود!

سایت «اطلاعات.نت» مورخ ۴ بهمن ماه سالجاری از مرگ ناگهانی «وفا غفاریان»، «عباس مهری»، «احمد سیاف‌زاده» و «منصور ترکان»، فرماندهان سابق سپاه پاسداران خبر داده و می‌نویسد، سردار حسین علائی، درگذشت چهار سردار سابق سپاه را تسلیت گفته‌اند! یادآور شویم، سن سرداران متوفی بین ۵۰ تا ۵۵ سال بوده، و گویا همگی سگته کرده‌اند! البته

توطئه‌ای در کار نیست، شاید مصاحبه «شاهزاده و گدا» باعث مرگ اینان شده باشد، شاید هم بیانیه اواما.

به استنباط ما سرداران راحل از مصاحبه «مفرح» اعلیحضرت خیلی شاد و شنگول شده بودند و با دم‌شان گردو می‌شکستند که ناگهان بیانیه اواما گردهای‌شان، ببخشید آرزوهای‌شان را بر باد داد! این بیانیه همچنین کیهان را نیز به عزای پدر نشاندا کیهان جمکران، مورخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۲ گریه‌کنان در «خبر ویژه» نوشت، «پیام اواما می‌گوید جنبش سبز یعنی کشک». بله، اواما مرگ جنبش سبز را تأیید کرد و این اواما با این بیانیه رویاهای طلائی سرداران و کیهان را نقش بر آب نمود. مرگ جنبش سبز، مرگ حکومت جمکران است. حکومتی که از این بساط برای خود «اوپوزیسیون» ساخته و پرداخته بود و آب به آسیاب کیهانی‌ها می‌ریخت. کیهان نیز با چسباندن این اوپوزیسیون به آمریکا، واشنگتن را «مخالف» رهبر و حکومت معرفی می‌کرد و از رهبر پیزی‌افندی، تصویر «رستم صولت» ارائه می‌داد، تا ایرانیان بدانند و آگاه باشند که، «وقتی آمریکا در برابر رهبر به زانو درآمده، ملت ایران جای خود دارد!»

بله از آن وحشی بیابانی هم با همین «پف و نم‌ها» قهرمان نبرد با شرق و غرب ساخته بودند. از مطلب دور نشویم، کیهان در همان صفحه که از «مرگ جنبش سبز» می‌گوید، بجای «گفت و شنود» همیشگی یک شعر بندتنبانی، تحت عنوان «پناه‌ده» منتشر کرده که خیلی وصف‌الحال حکومت و «مردم» طرفدار این حکومت است. البته «بندتنبانی» کذا به بهانه سوگواری برای پیامبر «صاد» و «عیون» سوم و هشتم - عیون جمع عین است - بجای «گفت و شنود» همیشگی نشسته.

کیهان می‌نویسد، در آستانه سالروز رحلت پیامبر گرامی اسلام و شهادت امام حسن و امام رضا که دل‌ها داغدار است و چشم‌ها اشکبار، ستون «گفت و شنود» را به سروده‌ای در وصف رسول خدا اختصاص می‌دهیم. ما هم علامت تعجب نمی‌گذاریم! ولی سروده کذا در واقع تکرار مزخرفات سردار

اکبر است در باب مبارزه پیامبر با جهل و خرافات، و به صورت غیرمستقیم به صلح امام حسن نیز اشاره دارد.

سردار اکبر در ایسنا گفته، امام حسن به دلیل عدم همراهی «مردم» ناچار شد با معاویه صلح کند! در شعر بندتنبانی کیهان، سراینده در مانده از دارنده «قول لاله» پناه می‌طلبد:

خدا که غلغله قول لاله‌ات داد  
یتیم آمده‌ام، مانده‌ام، پناه‌ده

مسئله‌های پیش آمده که هم به مرگ ناگهانی سرداران منجر شده؛ هم کیهان را در ماتم فرو برده؛ هم حناز چوبه را حیرت زده کرده! به استنباط ما این مسائل پیامد چرخش سیاست آمریکا است که در قالب ملاقات «هنری کیسینجر» با نخست‌وزیر روسیه بروز کرده. یک‌روز پیش از انتشار کیهان، سایت فرانسه زبان نووستی، مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲ از ملاقات هنری کیسینجر با ولادیمیر پوتین خبر داد. یادآور شویم کیسینجر، وزیر اسبق امور خارجه به محافل جمهوریخواه نزدیک است، و از پیروان «ثبات» به شمار می‌رود؛ کودتای شیلی در دوران کیسینجر صورت گرفت. محفل نوبل هم پیش از کودتای شیلی به کیسینجر «نوبل صلح» اهدا کرد و به این ترتیب از عملیات آینده ایشان حمایت به عمل آورد. شگفتا! محفل کذا با اهداء نوبل به برخی افراد، در واقع از عملکرد «آینده» اینان حمایت می‌کند نه از تلاش گذشته‌شان. به همین دلیل پیش از اینکه پای اواما به کاخ سفید برسد، یک نوبل صلح به ایشان تعلق گرفت، و نتیجه هم در برابر ماست: بهار خون‌بار عرب، کودتاهای مردمی، جنگ داخلی، و ... و خلاصه گسترش حکومت‌های اسلامی در مناطق مسلمان‌نشین جهت سرکوب ملت‌ها با تکیه بر پدیده موهومی به نام «معترض!»

ویژگی پرسوناژ «معترض» این است که همچون اوباش سبز و امام روشن‌ضمیر میرحسین، هرگز نمی‌گوید چه می‌خواهد. «معترض» فقط می‌گوید چه نمی‌خواهد! به عبارت دیگر معترض جز نفی و تخریب هیچ برنامه‌ای ندارد. به همین دلیل

دیده‌بان حقوق بشر در نیویورک برای «معترض» و اسلام سیاسی سینه چاک می‌دهد و رسانه‌های جمکران مواضع «مترقی» دیده‌بان کذا را در بوق می‌گذارند.

حنازرچوبه، مورخ دوم بهمن‌ماه سالجاری، در مطلبی با کد: ۳۰۷۷۷۰۰۱ به نقل از دیده‌بان حقوق بشر می‌نویسد، غرب به دلیل هراس از «اسلام سیاسی»، با دیکتاتورهای کنار می‌آید! ولی دیده‌بان کذا نمی‌گوید که این است همان دور باطل کودتای «شیخ و شاه!» هم شیخ کودتاچی و برانداز است، و هم شاه! حاکمیت هر دو نیز در گرو تل موهوم «مردم» قرار گرفته! تل موهومی که در هر قالب و صورتی که بروز کند، انسان‌ستیز باقی مانده و با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر در تضاد قرار خواهد گرفت. در نتیجه، حضور «شاه‌الله» که چماق‌ها را از هم اکنون از غلاف بیرون کشیده و تیز می‌کنند، و می‌خواهند ما را به جرم «توهین به شخص اول مملکت» تنبیه فرمایند بگوئیم، نمی‌توانید رفراندوم ابله فریب «جمهوری اسلامی آری، یا نه؟» را اینبار در قالب «شاه بهتر است یا شیخ؟» بر پا کنید. بله نمی‌توانید چنین خیمه شب بازی مهوعی به راه اندازید و چنین استدلال فرمائید که چون خمینی بدتر از شاه بود، اینک پس از ۳۳ سال می‌باید دست و پای اعلیحضرت را ببوسیم که می‌خواهند با توسل به همان «مردم»، ما ملت را یکبار دیگر از چاله به چاه رهنمون شوند!

بین خودمان بماند این «شاه‌الله» به مراتب از «شیخ‌الله» که فرسوده شده، خطرناک‌تر و درنده‌تر است، چرا که طی ۳۳ سال آرمیده و حسابی نفس تازه کرده. در عوض، محفل «کارتر - برژینسکی» که فرسوده شده، برای گسترش توحش، «کنت راث»، مدیر اجرایی دیده‌بان حقوق بشر در نیویورک را به «نکاح» آخوند مکارم در می‌آورد؛ پیوندشان مبارک! گزارش «حنازرچوبه» بخشی است از «ماه‌عسل» رویائی این زوج خوشبخت:

«[...] ترس از اسلام سیاسی؛ عامل دوستی غرب با دیکتاتورها است [...] کنت راث، مدیر اجرایی دیده‌بان حقوق بشر گفت [...] نباید سکوت اجباری مردمی را که تحت رژیم‌های خودکامه هستند با

رضایت و آسودگی خاطر آنها اشتباه گرفت [...] این سازمان [...] از دولت‌های غربی خواست که به صورت مداوم [...] از معترضان صلح‌جو حمایت کرده و رهبران خودکامه و همچنین دولت‌های در حال ظهور جدید را برای اجتناب از خشونت تحت فشار قرار دهند.»

کنت راث چه می‌گوید؟ همان مزخرفاتی را تکرار می‌کند که از زبان خمینی دجال می‌شنیدیم؛ همان چرندیاتی که ۳۳ سال است در رسانه‌های جمکران بازتولید می‌شود، و در واقع همان پروپاگاندا تولید طویل‌مدت است جهت تشویق دخالت دین در سیاست. سیاستی که استعمار غرب بی‌شرمانه بر آن پای می‌فشارد و جیره‌خواران‌اش آن را واژگون می‌نمایند. امروز که حمایت غرب از اسلام‌گرایان و به طور کلی از خرابکاران و تروریست‌ها آشکار شده، «کنت راث» در کمال وقاحت و حماقت ادعا می‌کند، «غرب از اسلام سیاسی می‌هراسد!» و شاهدیم که «اسلام سیاسی»، به ویژه در ایران، افغانستان، عراق، ترکیه و پاکستان به بهترین وجه منافع غرب را تاکنون تأمین کرده. حال باید از زوجه خوشبخت نیویورکی آخوند مکارم ببوسیم، چگونه می‌توان پذیرفت که «ارباب» از سگ درگاه خود هراس داشته باشد؟! و اگر غرب از اسلام سیاسی می‌هراسد، چرا دکان حقوق بشر نیویورک و ملایان آدمخوار جمکران، در هم‌سوئی با یکدیگر شعارهای جیمی کارتر منفور را نشخوار می‌کنند؟

توان و توشه به پایان رسیده بود، ولی  
خدا رسید به فریاد و زاد راحت داد  
[...]

خدا که دست تو را خواند و دستگاہت داد

هم‌سوئی دیده‌بان حقوق بشر در نیویورک با ملایان «قلعه حیوانات» را به فال نیک می‌گیریم. قدیمی‌ها می‌گفتند، «کله پز برخاست، سگ جای‌اش نشست.» اینک به عیان می‌بینیم که سگ با «حفظ سمت» به آغوش کله‌پز پناه برده!